

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

ابراهیم ابراهیمی^۱

چکیده

رحمت دو جریان دائمی دارد که همواره بر همه هستی روان است؛ رحمت رحمانی و رحمت رحیمی. با رحمت رحمانی خلقت شکل می‌گیرد و با رحمت رحیمیه هستی به نهایت رشد خویش دست می‌یابد. خداوند انسان را آفرید تا رشد کند و او را از رحمت رحمانیه خود به رحمت رحیمیه برساند. رحیمیت خداوند بازگشت به ربوبیت او دارد. عالم پرورشگاه است. او رب همه موجودات است و زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن آن استعدادها را فراهم می‌کند و این انسان است که باید برای رسیدن به رحمت الهی در خود ظرفیت ایجاد کند تا مشمول رحمت رحمانیه و رحیمیه خداوند در دنیا و آخرت شود. آنچه این مقاله بدان اهتمام می‌ورزد، بررسی تطبیقی رحمت الهی از دیدگاه مفسران شیعه و سنی به شسوه تحلیل و توصیف است. نگارنده در ابتدا به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی رحمت پرداخته، سپس جایگاه رحمت الهی را در قرآن و روایات با توجه به نظر فریقین بررسی نموده است. در ادامه به بیان تفاوت میان رحمت رحیمیه و رحمانیه پرداخته شده و مشخص شد که لعنت که مقابل رحمت است از مقوله گفتار نیست و به معنای دوری از رحمت است. در رحمت الهی تبعیضی نیست، بلکه هر کس بر اساس قابلیت که کسب می‌کند می‌تواند از رحمت خداوند بهره مند گردد.

کلیدواژه: رحمت، رحمت رحمانیه، رحمت رحیمیه، لعنت، تفسیر، فریقین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

هر انسان غرضی دارد که برای رسیدن به آن از هر ابزاری که او را به هدف برساند استفاده می کند و آن را به خدمت خود می گیرد. قرآن می فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (جاثیه/۱۳). قرآن کریم با صراحت می گوید که هدف خدای تعالی از آفرینش، رحمت بوده است: «إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (هود/۱۱۹) و عالم از ازل به انگیزه و لطف رحمت رحمانی و رحیمی ایجاد گردیده است. قرآن با گفتن "الرحمن الرحيم"، این منظور و هدف را پیش چشم انسان باز می کند و می گوید چون خدا بی نیاز است، تنها یک هدف بیشتر نمی توان برای خلقت تصور کرد و آن اینکه آفرینش او از سر رحمت بوده است. رحمان آغاز حرکت و رحیم، نهایت آن است؛ به طوری که این حرکت و سیر به طور اختیاری از رحمان آغاز و به رحیم ختم می شود.

بررسی معنای لغوی و اصطلاحی رحمت

ابن منظور می گوید: «رحمت از ریشه "رحم" به معنای رقت و تلطیف می باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲۳۱: ۱۲).

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

راغب در مفردات می‌نویسد: منظور از رحمت که وصف خداوند است إنعام و إفضال است، نه رقت و تلطّف؛ از این جهت است که روایت شده: «أَنَّ الرَّحْمَةَ مِنَ اللَّهِ إِنْعَامٌ وَإِضَالٌ، وَ مِنَ الْآدَمِيِّينَ رِقَّةٌ وَ تَعَطُّفٌ». رحمت از خدا إنعام و فضل و از آدمیان رقت قلب و عاطفه است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۲۴۷: ۱).

رحمت در اصطلاح یعنی اعطای کمال لایق به موجود ناقص و جاری شدن عوامل رشد. یعنی اعطاء و افاضه برای رفع حاجت نیازمندان است (همان).

رحمت چه درباره خداوند و چه در انسان از يك ریشه یعنی از "رحم" گرفته شده و به معنای رقت است. رحمت در انسان به اندازه‌ای که متأثر می‌شود تجلی می‌کند، اما خداوند اینطور نیست زیرا در ذات باری تعالی، تأثّر و انفعال راهی ندارد «رَحِيمٌ لَا يَوْصَفُ بِالرَّقَّةِ» (نهج البلاغه، خطبه: ۱۷۷). در پروردگار متعال این صفت به معنای اعطاء و افاضه برای رفع حاجت است.

حویزی در تفسیر نور الثقلین از امام صادق (ع) در معنای رحمت می‌نویسد: إِنَّ الرَّحْمَةَ وَ مَا يَحْدُثُ لَنَا مِنْهَا شَفَقَةٌ وَ مِنْهَا جُودٌ وَ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ تَوَابُهُ لِيَخْلِقَهُ وَ الرَّحْمَةُ مِنَ الْعِبَادِ شَيْئَانِ أَحَدُهُمَا يَحْدُثُ فِي الْقَلْبِ الرَّأْفَةُ وَ الرَّقَّةُ لِمَا يَرَى بِالْمَرْحُومِ مِنَ الضَّرِّ وَ الْحَاجَةِ وَ ضُرُوبِ الْبَلَاءِ وَ الْآخَرُ مَا يَحْدُثُ مِمَّا مِنْ بَعْدِ الرَّأْفَةِ وَ اللَّطْفِ عَلَى الْمَرْحُومِ وَ الرَّحْمَةُ مِمَّا مَا تَنَزَّلَ بِهِ وَ قَدْ يَقُولُ الْقَائِلُ انْظُرْ إِلَى رَحْمَةِ فَلَانٍ وَ إِنَّمَا يَرِيدُ الْفِعْلَ الَّذِي حَدَّثَ عَنِ الرَّقَّةِ الَّتِي فِي قَلْبِ فَلَانٍ وَ إِنَّمَا يَضَاهِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَعْلٍ مَا حَدَّثَ عَنَّا مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَ أَمَّا الْمُعْنَى الَّذِي هُوَ فِي الْقَلْبِ فَهُوَ مُنْفَى عَنِ اللَّهِ كَمَا وَصَفَ عَنْ نَفْسِهِ فَهُوَ رَحِيمٌ لَا رَحْمَةَ رِقَّةٍ (حویزی، ۱۴۱۵. ج ۱: ۱۴).

هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند کوچکترین تاثیری در خدا بگذارد. و لازم نمی‌آید تا خداوند از چیزی متأثر شود تا رحمت کند، زیرا رحمت در اختیار او است؛ برخلاف انسان که در اختیارش نیست «يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (آل عمران/ ۷۴)

در مورد دو کلمه "رحمان" و "رحيم" سه نظریه وجود دارد:

- ۱) "رحمان" و "رحيم" دو کلمه با دو ساختار مختلف ولی دارای يك معنا هستند و یکی تأکید دیگری است. دو اسم "رحمن" و "رحيم"، هر دو صفت مشبّهه و برای مبالغه به کار رفته و يك معنی دارند، و تأکید یکدیگرند.... در کنار هم آمدن دو صفت رحمان و رحيم

دربگیرنده مفهوم تأکید متقابل این دو می‌باشد. ابن عربی معتقد است *رحمن و رحيم يك معنا* دارند و *رحيم* تأکید *رحمن* است (ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۶).

حضرت امام حسین (ع) در فرازی از دعای عرفه *رحمن و رحيم* را به *يك معنا* به کار برده است: «یا رحمان الدنيا والآخرة و رحيمهما» (کلینی، ۱۳۶، ج ۲: ۵۵۷). در این جمله نیز یکی از این دو واژه تأکید دیگری است.

(۲) "*رحمان*" و "*رحيم*" دو کلمه هستند که هم از نظر ساختار هم از نظر محتوا متفاوت هستند؛ *رحمان* عام و *رحيم* خاص است.

علامه طباطبایی و رشید رضا معتقدند که *رحمان*، صیغه مبالغه و *رحيم*، صفت مشبیه است و این دو تأکید هم نیستند و هر *يك* معنای مستقلی دارند: «إن الرحمن هو المنعم بنعم عامة تشمل الكافرين مع غيرهم، والرحيم هو المنعم بالنعمة الخاصة بالمؤمنين» (رشید رض، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۷ و طباطبایی، ۱۳۷، ج ۱: ۱۶).

(۳) "*رحمان*" و "*رحيم*" هر دو *يك* کلمه هستند. هر دو صفت مشبیه به وزن *شبعان* و شریف بوده، و صیغه اولی دلالت به مفهوم امتلاء و هیجان و حرارت کرده و دومی به ثبوت و استمرار صفت دلالت می‌کند. و از این لحاظ، *رحمان* به توسع و هیجان و وفور و شمول کلی دلالت می‌کند و رحمت به همه موجودات به نحو عموم و *يك* نواخت. *رحيم* بر رحمت ثابت در حق متعال دلالت دارد که به مقتضای درخواست اشخاص و اقتضای مخصوص در افراد ظهور و فعلیت پیدا می‌کند.

در نظر بسیاری از اهل لغت (جوهری، الصحاح. ج ۵: ۱۴۰۴ و راغب، ۱۹۲۹: ۳۲۴) و مفسران (طبرسی، ۱۳۶۰. ج ۱: ۹۷ و زمخشری، ۱۴۰۷. ج ۱: ۶) واژه "*رحمان*" و "*رحيم*" هر دو صیغه مبالغه بوده و بر کثرت و زیادی احسان و انعام دلالت دارند.

رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه

الف) رحمت رحمانیه و رحیمیه در قرآن

قرآن کریم بسیاری از فیوضات و نعمت‌های الهی را مستند به اسم *الرحمن* می‌داند. در

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

سوره طه استواء بر عرش را به اسم الرحمن استناد می‌دهد: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (سوره طه / ۵)؛ اما استواء الرحمن بر عرش در حقیقت به جهت بیان رحمت رحمانیه حق است که بسط فیض وجود بر تمام اشیاء و تدبیر اشیاء را به عهده دارد. این احاطه ملک حق تعالی و تدبیر او متناسب با اسم الرحمن است که اسمی عام و شامل است و در عین حال نشأت از رحمت مطلقه حق تعالی می‌گیرد.

قرآن می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا) (۶/ هود).

و نیز «اتَّخِذْ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شَيْئًا وَلَا يَنْفَعُونَ» (آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زبانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد) (۲۳/ یس).

با اینکه در این آیه سخن از عذاب است از خدای رحمان یاد شده است، نه از خدای قهار و منتقم؛ زیرا، رحمت رحمانیه خداوند شامل عذاب نیز هست.

خداوند در سوره مبارکه "الرحمن" پس از ذکر نام شریف الرحمن در شمار نعمت‌ها و رحمت‌های الهی، همانند: تعلیم قرآن و نعیم بهشتی، از جهنم یاد کرده، می‌فرماید: «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» (امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند) (الرحمن / ۴۳-۴۴).

جهنم کمالی وجودی و در ردیف بهشت و سایر آلاء خدای سبحان، زیر پوشش رحمت مطلق اوست.

بُورِشَافِی
بُورِشَافِی
بُورِشَافِی

«فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده‌ای دارد؛

اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است) (انعام / ۱۴۷).

رحمتی که در کنار تکذیب کافران و تعذیب مجرمان ذکر شده است، رحمت مطلقه است.

در برخی از آیات قرآن کریم تنها رحمت خاص الهی مطرح شده است: «يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ» (هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند) (عنکبوت / ۲۱).

در این آیه کریمه، رحمت الهی در برابر عذاب او قرار گرفته است و چنین رحمتی همان رحمت خاص الهی است.

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکند، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است) (اعراف / ۵۶)

رحمتی که به محسنان نزدیک است، رحمت خاص است و گر نه نیکوکار و تبهکار، هر دو شمول رحمت مطلق خدا هستند.

بنابراین، "رحمت رحیمیه" آن است که در نهایت امر انسان را به سعادت نزدیک کند و اشاره به رحمت خاص پروردگار است که ویژه بندگان مطیع و صالح و فرمانبردار است؛ زیرا، آن‌ها به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته‌اند که از رحمت و بخشش و احسان خاصی که آلودگان و تبهکاران از آن سهمی ندارند، بهره مند گردند. "رحیم" گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است مانند: «هُوَ الَّذِي يَصْلِي عَلَيْكُمْ وَمَلَأَكُمْهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (او کسی است که بر شما درود و رحمت می فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می کنند تا شما را از ظلمات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

(جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است) (احزاب / ۴۳)

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»
(به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است) (توبه / ۱۲۸)

در برخی آیات قرآن به دو قسم از رحمت یعنی رحمت عام و رحمت خاص اشاره شده است: «... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ...» (و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت) (اعراف / ۱۵۶).
قسمت اول از آیه اشاره بر رحمت عام و فراگیر خداوند دارد و قسمت دوم (فَسَأَكْتُبُهَا) بیانگر رحمت خاص الهی است.

ب) رحمت رحمانیه و رحیمیه در روایات

روایات نیز رحمت رحمانیه و رحیمیه خداوند را توصیف می کند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده: «وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَالرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ الرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۱۴).

و نیز: الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ بِصِفَةِ عَامَّةٍ وَالرَّحِيمُ اسْمٌ عَامٌّ بِصِفَةِ خَاصَّةٍ (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۴).

در روایات فوق همه مردم خواه مؤمن و صالح یا کافر و فاسق مشمول رحمت رحمانیه خداوند شده اند؛ زیرا، خداوند آنان را آفریده و از نعمت حیات و زندگی بهره مندشان نموده و به آنان روزی می دهد. شمول رحمت رحیمیه ویژه مؤمنان، به این است که در دنیا به آنها توفیق نیکو کاری داد و آنان در آخرت مورد تکریم و آمرزش او قرار می گیرند و وارد بهشت می شوند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۴۱).

ابو سعید خدری از رسول اکرم (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «الرَّحْمَنُ، رحمن الدنیا. وَالرَّحِيمُ، رحیم الاخرة» (همان)

حضرت علی (ع) می فرماید: «الرَّحْمَنُ الَّذِي يَرْحَمُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ عَلَيْنَا» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۸۰). رحمن یعنی کسی که با توسعه رزق و روزی بر ما رحمت آورد.

امام علی (ع) در جای دیگری می فرماید: «الرَّحْمَنُ الْعَاطِفُ عَلَى خَلْقِهِ بِالرِّزْقِ، لَا يَقْطَعُ عَنْهُمْ مَوَادَّ رِزْقِهِ، وَإِنْ انْقَطَعُوا عَنْ طَاعَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۲۴۸). رحمن [یعنی] کسی که با دادن روزی به خلائق بر آنها عطف می ورزد، اصل روزی آنها را قطع نمی کند هر چند که آنها از اطاعتش سر باز زنند.

عکرمه می گوید: خدا به اعتبار يك رحمت "رحمن" و باعتبار صد رحمت "رحیم" است و این مطلب را از قول رسول اکرم (ص) اقتباس کرده که فرموده است: برای خدا صد رحمت است که فقط یکی از آنها را به زمین فرستاده و بین مردم تقسیم نموده است و مهربانی مردم با هم و عواطفی که نسبت به هم نشان می دهند همه اثر همین يك رحمت است و نود و نه رحمت دیگر را برای خود قرار داده تا روز قیامت بندگان را مشمول آنها قرار دهد. روایت شده است که روز قیامت حتی این يك رحمت را هم ضمیمه آن نود و نه نموده و با همه آنها به بندگان خود مهر می ورزد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۱).

بررسی نظریه فریقین پیرامون رحمت

در سوره فاتحه به صراحت از رحمت الهی سخن به میان آمده و در تمامی تفاسیر شیعه و سنی به آن تصریح شده است؛ اما در اینکه آیا رحمانیت و رحیمیت خداوند فقط در دنیاست و یا هم در دنیا و هم در آخرت، و آیا هر دو عام هستند یا یکی عام و دیگری خاص، نظرات متفاوتی از سوی مفسران اهل سنت و شیعه ارائه شده که مورد بررسی قرار می دهیم.

گروهی قائل به این دیدگاه هستند که رحمت رحمانیه خداوند فقط در دنیاست و رحمتی است فراگیر و رحمت رحیمیه هم در دنیا و هم در آخرت است و مختص مؤمنین می باشد.

علامه طباطبایی از جمله قائلین به این دیدگاه است. او با استناد به آیه ۱۵۶ سوره اعراف رحمانیت خداوند را رحمت عامه الهی می داند که بر همه بندگان در دنیا تعلق می گیرد. این

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

رحمت همان خلقت و اعطای حیات به موجودات است. رحمت رحیمیه خداوند هم در دنیا و هم در آخرت فقط شامل حال مؤمنین می‌شود: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» (اعراف / ۱۵۶) رحمت من بر همه چیز را شامل می‌شود پس اختصاص می‌دهم رحمتم را بر تقواییشان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۶). روایتی نیز به این معنا اشاره دارد: «الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ الرَّحِيمِ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸).

قرطبی از مفسران اهل سنت در کتاب الجامع لأحكام القرآن نیز بر این عقیده است و می‌گوید: رحمن یاری کردن تمام کسانی است که ایمان آوردند، ولی رحیم یاری کسانی است که توبه کنند و ایمان بیاورند و عمل صالح انجام بدهند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۰۷).

ابن کثیر دمشقی در کتاب تفسیر القرآن العظیم معتقد است که خداوند هم در دنیا و هم در آخرت نسبت به مومنان رحیم است. در دنیا با هدایت ایشان به سوی خود و نشان دادن راه به ایشان برای دوری از کفر و بدعت و در آخرت با ایمن نگه داشتن آنان از فرع اکبر و امر کردن ملائکه به دادن بشارت به ایشان به بهشت (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳۹: ۴۰).

طبری در کتاب جامع البیان معتقد است که رحمت رحیمیه خداوند اختصاص به مؤمنین دارد و می‌گوید: این خاص بودن کلمه رحیم آن را از معنایش تهی نمی‌کند؛ چه این رحمت در دنیا باشد و یا در آخرت و یا هر دو. و صحیح این است که بگویی خداوند متعال عافیت در دنیا را به بندگانش اختصاص داده به وسیله توفیق در عبادت و ایمان به رسالت و پیروی از آن و دوری از گناهان روزی آنان کرده و در آخرت نعیم و بهشت را به ایشان بخشیده و ایشان را تکریم کرده است. بنابراین خداوند رحیم است به مؤمنین در دنیا و در آخرت. و نسبت به کافران رحمن است که در دنیا نعمت‌هایش شامل همه می‌شود همانطور که شامل مؤمنین می‌شود؛ مانند گسترش روزی رویش گیاهان و سلامت جسم و بنابراین، خداوند رحمن است به همه مخلوقات در دنیا و آخرت و رحیم است فقط به مومنان در دنیا و آخرت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴۳: ۱).

ابن عربی در کتاب رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن معتقد است که رحمت رحمانیه رحمت امتنانی است که هم در دنیا و هم در آخرت فراگیر است و رحمت

رحیمیه را رحمتی وجوبی دانسته که اختصاص به مومنان در آخرت دارد (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۲۷)

بغوی از دیگر مفسران اهل سنت در کتاب معالم التنزیل بر این اعتقاد است که رحمن رحمتی است که شامل عموم می شود و همان رزقی است که در دنیا به همگان داده شده و رحیم به معنای عافیتی و آمرزش گناهان که در آخرت مخصوص مومنان است. او به این دعای شریفه استناد می کند: یا رحمن الدنیا و رحیم الاخره (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص: ۷۱). طبرسی در کتاب جوامع الجامع با اشتناد به روایت «الرحمن اسم خاص، بصفة عامة، و الرحیم اسم عام بصفة خاصة» می نویسد: "رحمن" یعنی رحمت عام خدا شامل حال تمام خلق اعم از دوست و دشمن، مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار می شود و "رحیم" یعنی رحمت خاص پروردگار ویژه مؤمنان است (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵).

نقد و بررسی دیدگاه اول

اولاً، سند روایتی که علامه و قائلین به دیدگاه فوق به آن استناد کرده اند ضعیف است. از لحاظ دلالت نیز با آیات قرآنی معارض است. ثانیاً، آیت الله خویی در کتاب البیان فی تفسیر القرآن با بررسی موارد استعمال "رحمن و رحیم" در قرآن کریم با این دیدگاه مخالفت نموده و حتی اعلام می نماید که اینگونه روایات را باید تأویل نمود یا کنار گذاشت؛ زیرا، ظاهر آنها با کتاب خدا مخالفت دارد (خویی، البیان: ۴۳۲).

از نظر وی کلمه "رحیم" در قرآن بدون اینکه به مؤمنین و یا به آخرت اختصاص داشته باشد، استعمال شده است. او برای اثبات ادعای خویش به آیات ذیل استشهاد می کند:

«فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (هر کس از من پیروی کند، از من

است و هر کس از من نافرمانی کند، پس تو بخشنده و مهربانی) (ابراهیم/۳۶).

«تَبَتُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم)

(حجر / ۴۹).

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

«إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» (خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است) (حج / ۶۵).
«رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از نعمت او بهره مند شوید.
او نسبت به شما مهربان است) (بنی اسرائیل / ۶۶).

«وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (اگر بخواهد منافقان را عذاب می کند و یا اگر توبه کنند، توبه شان را می پذیرد که خداوند بخشایشگر و مهربان است) (احزاب / ۲۴).

در این آیات کلمه "رحیم" در معنای عمومی به کار رفته است که خداوند بر همه کس از مؤمن و منافق و بر هر انسانی در هر دو جهان رحیم و مهربان است (همان، ۴۵۸).
در نتیجه نظر آیت الله خویی (ره) این است که هم رحمت رحمانیه و هم رحمت رحیمیه مربوط به هر دو جهان می گردد و هر دو عام می باشند و هیچ گونه اختصاصی وجود ندارد.

بیضاوی در أنوار التنزیل و أسرار التأویل می نویسد: لغت رحمن از رحیم بلیغ تر است؛ بنا بر قاعده "زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی" گاهی به اعتبار کیفی گفته می شود "یا رحمن الدنیا" به این دلیل که شامل مؤمن و کافر می شود و "رحیم الآخرة" زیرا اختصاص به مومنان دارد. و به اعتبار کمی گفته می شود "یا رحمن الدنیا و الآخرة"، و "رحیم الدنیا"، زیرا نعمات اخروی همه دارای عظمت هستند، اما نعمت های دنیوی کوچک و بزرگ هستند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۷). بنابراین، بیضاوی قائل به روایت "رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما" است.

رشید رضا صاحب تفسیر المنار معتقد است که جمهور مفسران می گویند معنای رحمن نعمت دهنده به تمام مخلوقات است و معنای رحیم نعمت دهنده به گروهی خاص است.

گروهی هم می گویند رحمن نعمت های عام است و شامل کافران و غیرکافر می شود و رحیم نعمت های خاص است که اختصاص به مؤمنین دارد و همه نشأت گرفته از قاعده "زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی" است. اما این قاعده هرگز به معنای زیادی وصف نمی باشد و

این عقیده که زیادی در حروف به معنای زیادی در احسان است، مقصود و مراد از رحمت الهی نیست و اختصاص رحمت رحیمیه به مومنان صحیح نیست (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۷). محمد جواد مغنیه در تفسیر کاشف با عنایت به آیه ۱۶۵ سوره اعراف می نویسد: رحمت در معنای عنایت رحمتی است که شامل همه موجودات می شود حتی ابلیس، اما رحمت به معنی ثواب رحمتی است که خداوند آن را به بندگان باتقوا و مؤمن خود عطا می کند و "فَسَاءَ كُتِبَ لَهَا لِلَّذِينَ" اشاره به آن دارد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۴۰۳).

ثالثاً، از نبی گرامی اسلام (ص) در ادعیه "الإقبال بالأعمال الحسنة" و همچنین در صحیفه سجّادیه چنین آمده: «يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا» که مفاد آن این است که خداوند هم در این دنیا و هم در آخرت، رحیم است و رحیم بودن او به آخرت و به مؤمنین اختصاص ندارد (ابن طاووس، ج ۱ / ۲۵۶ / الباب الثامن و الصحیفه السجّادیه فی دعائه فی استکشاف الهموم).

جمع بندی دیدگاهها

با توجه به مطالب مزبور می توان گفت که دیدگاه علامه طباطبایی و طبرسی از مفسران شیعه و قرطبی، سید قطب، ابن کثیر، طبری، ابن عربی و بغوی از مفسران اهل تسنن که قائل به رحیمیت خداوند در دنیا و آخرت هستند و اعتقاد دارند که رحیمیت فقط اختصاص به مؤمنین دارد، مورد نقد قرار گرفته است؛ زیرا، هم معارض با قرآن و روایات است و هم از نظر سند پذیرفته نیست. دیدگاه آیت الله خویی و بیضاوی و رشید رضا و محمد جواد مغنیه قائل به عام بودن رحمت رحمانیه و رحیمیه هستند و آن را مختص مؤمنین نمی دانند مورد پذیرش می باشد. روایات "رحمن الدنيا والآخرة ورحیمهما" نیز قابل پذیرش است. ولی باید روایات مقابل را - با توجه به آیات مورد استناد آیت الله خویی - کنار گذاشت یا تأویل کرد. بنابراین: رحمانیت و رحیمیت خداوند هیچ کدام صرفاً مخصوص دنیا یا صرفاً مخصوص آخرت نیست و شامل هر دو می شود.

تمایز رحمت رحیمیه و رحمت رحمانیه الهی

در باب تمایز رحمت رحیمیه و رحمانیه الهی به چند نکته اشاره می‌کنیم:

(۱) مقابل رحمت رحمانیه الهی عدم است، نه غضب؛ زیرا تقابل آن با غضب الهی موجب خروج غضب از پوشش رحمت رحمانیه و تقييد رحمت مطلقه خواهد بود. اما رحمت رحیمیه در مقابل عذاب و سخط الهی قرار دارد و متناهی^۱ و محدود است؛ همان گونه که سخط الهی محدود است. «يَعَذَّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ» (عنکبوت / ۲۱). در این آیه، رحمت الهی در برابر عذاب او قرار گرفته است و چنین رحمتی همان رحمت خاص الهی است. (رک: جوادى آملی، ۱۳۸۱، ج ۲۹۲: ۱).

مقابل رحمت رحیمیه لعنت است. کسانی که از رحمت رحمانیه درست استفاده نمی‌کنند مشمول لعنت الهی می‌شوند. برخی گمان می‌کنند که لعنت از مقوله گفتار است در حالی که چنین نیست. لعنت از مقوله گفتار نیست. لعنت قطع رحمت و لطف خداوند است (رک: مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶۴۹: ۲). لعنت رحمت رحیمیه را می‌بندد و رحمت رحمانیه را به اقل می‌رساند. اگر کسی ملعون شد از رحمت رحیمیه محروم می‌شود: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» (محمد / ۲۳).

(۲) "رحمت رحمانی اکتسابی نیست و در اختیار همه قرار گرفته است، اما رحمت رحیمیه اکتسابی است؛ زحمت دارد که آدمی کاری بکند که مورد رجم خدا بشود و آن ایمان و عمل صالح است" (دستغیب، معارفی از قرآن: ۲۲۵). «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف / ۵۶). رحمتی که به محسنان نزدیک است، رحمت خاص است و گرنه نیکوکار و تبهکار هر دو شمول رحمت مطلق خداوند هستند.

(۳) رحمت رحمانی نسبت به رحیمیه مقدمه و پیش نیاز است. اگر کسی از این رحمت رحمانی استفاده نکند، تبدیل به نعمت می‌شود: «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا

^۱ مراد از تناهی، محدودیت نسبت به رحمت مطلق است و گرنه رحمت خاص نیز از نظر دوام و استمرار نامتناهی است.

يَحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْفُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا - از مشرکان نسبت به معبودهایشان - شدیدتر است. و آنها که ستم کردند - و معبودی غیر خدا برگزیدند - هنگامی که عذاب - الهی - را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست و خدا - نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند - دارای مجازات شدید است) (بقره / ۱۶۵).

۴) ظاهراً رحمن صفت ذات است - مثل علم که صفت ذات است - و شامل همه موجودات از جمله انسان می شود. رحمن بر اساس قابلیت ها اعطاء می شود. رحیم صفت فعل است - مثل معلم که صفت فعل است - و صرفاً شامل انسان و (جن) اعم مؤمن و کافر می شود: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره / ۱۴۳). "بِالنَّاسِ" اعم از مؤمن و کافر است.

همین نکته را می توان در آیه دیگری مشاهده کرد: «رَبُّكُمُ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبُحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّه كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (اسرا / ۶۶). "بِكُمْ" هم شامل مؤمن و هم شامل کافر می شود.

۵) رحمت در "الرحمن" رحمت امتنانی است و متنی است بر کل موجودات، به اعطاء وجود بر اعیان آنها. و رحمت در "الرحیم" رحمت وجوب است که این رحمت را خداوند بر خود واجب نموده است: «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرَّحْمَةَ» (انعام / ۱۲). «فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ لَا يُقْنُونَ» (اعراف / ۱۵۶) تا اینکه این بنده حقی باشد که به واسطه اعمالی که انجام می دهد، مورد رحمت قرار گیرد. و این امری است که خدای سبحان بر خود واجب گردانیده و بنده را ذی حق دانسته است.

گستره رحمت الهی

خدای تعالی در امر خود در دو مورد از قرآن مجید به بخشش و رحمت وعده داده



جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

است: یکی در آیه ۱۲ از سوره انعام: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» و دیگر آیه ۵۴ از همان سوره: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ». وعده خداوند سبحان میرا از تخلف است. بنابراین افاضه رحمت از جانب حق تعالی بر عموم مخلوق يك امر مسلم و پا بر جاست که همگان را شامل می شود. همچنان که در سوره هود آیه ۱۱۹ در ذیل عبارت «إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ» بعضی از مفسرین چنین آورده اند که خلقت مردمان برای ایصال آن ها به رحمت است که فرموده: «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» و بنا بر قولی برای افاضه رحمت ایشان را آفریده است.

در برخی آیات الهی وسعت رحمت الهی نمایانگر است از جمله: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (پس اگر تو را تکذیب کنند بگو: خدای شما با آنکه دارای رحمت بی انتها است عذابش از بدکاران باز داشته نخواهد شد) (انعام / ۱۴۷).

در سوره غافر از آیه ۷ آمده: «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا» (پروردگارا فراگرفتی همه چیز را از حیث رحمت و علم). یعنی عرصه پهناور رحمت و دانش تو همه اشیاء عالم را فراگرفته است و چقدر قابل اهمیت اس، همان طوری که علم خدای تعالی به همه چیز احاطه دارد، رحمتش نیز عالمی را احاطه کرده است و در این قسمت از آیه شریفه هم این دو صفت علم و رحمت را مترادف آورده و دوش به دوش یکدیگر قرار داده است.

وسعت رحمت خدا در احادیث نیز بازتاب گسترده ای دارد. نمونه های زیر بازگوکننده این حقیقت است.

در حدیثی از امیر مومنان علی (ع) آمده است: الله رحیمٌ بعباده، وَ مِنْ رَحْمَتِهِ أَنَّهُ خَلَقَ مَاءَ رَحْمَةٍ جَعَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً فِي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ فِيهَا يَتَرَأَّحُمُ النَّاسُ وَ تَرَحَّمُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا ... فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَضَافَ هَذِهِ الرَّحْمَةَ الْوَاحِدَةَ إِلَى تَسْعٍ وَ تَسْعِينَ رَحْمَةً فَيَرْحَمُ بِهَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ (ص) (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام: ۳۷).

شیخ عباس قمی در سفینه البحار به نقل از آمالی الصدوق از امام صادق (ع) آورده است که فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَشَرَ اللَّهُ تَعَالَى رَحْمَتَهُ» (قمی، ۱۴۱۴ ج ۳: ۳۳۳). هنگامی که

روز قیامت می شود خداوند آنچنان رحمتش را می گستراند که حتی ابلیس در رحمت او طمع می کند

این روایات حکایت از گستردگی رحمت الهی دارد که حتی شامل گنهکاران هم می شود و و این همان رحمت سابقه الهی است؛ یعنی رحمتی که از غضب سبقت می گیرد؛ چنانکه در دعای "جوشن کبیر" می خوانیم: «یا مَنْ وَسَّعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ (مجلسی. ۱۴۰۳ ج ۹۱: ۳۸۶)». ای آنکه رحمت و وسعش همه اشیاء را فرا گرفته، ای آنکه رحمتش بر غضبش سبقت گرفته است. یعنی رحمت خداوند پیش از غضب اوست. یعنی خدا اگر در جایی غضب کند، غضب او در خدمت رحمت اوست؛ مانند تنبیه معلم نسبت به شاگرد که برای تربیت اوست. امام سجاد (ع) می فرماید: «وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ» (ای کسی که رحمت او پیشاپیش غضب اوست) (الصحيفة السجادية: ۷۸). این روایت معنای "یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ" را تشریح می کند.

شهید مطهری در این زمینه می نویسد: «در نظام هستی، اصالت از آن رحمت و سعادت و رستگاری است و کفرها و فسقها و شرور، عارضی و غیراصیل می باشند و همواره آنچه که عارضی است به سبب جاذبه رحمت تا حدی که ممکن است برطرف می گردد. وجود امدادهای غیبی و تأییدات رحمانی یکی از شواهد غلبه رحمت بر غضب است. مغفرت پروردگار و زایل ساختن عوارض گناه، یکی دیگر از شواهد تسلط و مهربانی او بر غضب و قهر می باشد» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۵۵).

نتیجه گیری

(۱) برخی رحمت در لغت را از ریشه "رحم" به معنای رقت و لطف و رأفت می دانند، اما راغب می گوید: رحمت از خدا انعام و فضل و از آدمیان رقت قلب و عاطفه است. و در اصطلاح، یعنی اعطاء و افاضه برای رفع حاجت نیازمندان است.

(۲) رحمت در پروردگار متعال به معنای اعطاء و افاضه برای رفع حاجت است؛ زیرا، خداوند "رحیم لایوسف بالرقه" است. یعنی هیچ موجودی در عالم نمی تواند کوچکترین

بزرگوارتر از او نیست

جایگاه رحمت الهی در تفاسیر فریقین

تأثیری در خدا بگذارد. او تنها موجد مؤثر غیر متأثر است. خداوند لازم نیست متأثر شود تا رحمت کند، لذا رحمت در اختیارش اوست. اندازه رحمت هم در اختیار اوست.

(۳) در مورد رحمن و رحیم سه نظریه وجود دارد: الف) دوکلمه هستند با دو ساختار مختلف ولی با يك معنا؛ یکی تأکید دیگری است؛ ب) دوکلمه هستند هم از نظر ساختاری و هم از نظر محتوایی. رحمان عام و رحیم خاص است. علامه طباطبایی و رشید رضا به این دیدگاه معتقد هستند؛ ج) هر دو يك کلمه هستند. جوهری، راغب، طبرسی و زمخشری از قائلین به این نظر هستند.

(۴) در تمامی تفاسیر شیعه و سنی به رحمت الهی تصریح شده است؛ اما در اینکه آیا رحمانیت و رحیمیت خداوند فقط در دنیاست و یا در دنیا و آخرت و اینکه هر دو عام‌اند یا یکی عام و دیگری خاص، نظرات متفاوتی ارائه شده است. علامه طباطبایی، آیت الله مکارم و طبرسی از مفسران شیعه و قرطبی، سید قطب، ابن کثیر، طبری، ابن عربی و بغوی از مفسران اهل تسنن قائل به رحیمیت خداوند در دنیا و آخرت هستند؛ رحیمیتی که فقط اختصاص به مؤمنین دارد.

(۵) دیدگاه علامه و قائلین به آن نقد شده است؛ زیرا، الف) سند روایتی که ایشان بدان استناد جسته‌اند ضعیف است؛ ب) با آیات قرآن معارض است؛ ج) همچنین در ادعیه معتبری همچون صحیفه سجّادیه چنین آمده که: «یا رحمن الدّینا و الآخرة و رحیمهما» که مفادش این است که خداوند هم در این دنیا و هم در آخرت رحیم است و رحیم بودنش به آخرت و به مؤمنین اختصاص ندارد.

(۶) آیت الله خویی، بیضاوی، رشید رضا و محمد جواد مغنیه قائل به عام بودن رحمت رحمانیه و رحیمیه هستند و اختصاص آن را فقط به مؤمنین رد می‌کنند.

(۷) تفاوت بین رحمت رحمانیه و رحیمیه عبارت است:

الف) مقابل رحمت رحمانیه الهی عدم است، نه غضب. مقابل رحمت رحیمیه لعنت است. لعنت از مقوله گفتار نیست، بلکه قطع رحمت و لطف خداوند است.

ب) رحمت رحمانی اکتسابی نیست و در اختیار همه قرار گرفته است، اما رحمت رحیمیه اکتسابی است.

ج) رحمت رحمانی نسبت به رحیمیه مقدمه و پیش نیاز است.

د) رحمن صفت ذات است (مثل علم که صفت ذات است) و شامل همه موجودات می شود و رحیم صفت فعل است (مثل معلم که صفت فعل است) و صرفاً شامل انسان و (جن) اعم مؤمن و کافر می شود.

و) رحمت در الرحمن رحمت امتنانی است، و منتی است بر کل موجودات، به اعطاء وجود بر اعیان آنها. و رحمت در الرحیم رحمت وجوب است که این رحمت را بر خود واجب نموده است.

۸) گستره رحمت الهی در آیات و روایات بازتاب گسترده ای دارد که حتی شامل گنهکاران هم می شود و این همان رحمت سابقه الهی است؛ یعنی رحمتی که از غضب سبقت می گیرد.

۹) در نظام هستی، اصالت از آن رحمت، سعادت و رستگاری است. کفرها، فسقها و شرور عارضی و غیراصیل هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین محمد. (۱۴۲۲). تفسیر ابن عربی. بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.
۲. ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ ق). رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن. (۴ جلد). دمشق: مطبعة نصر.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحدیثة). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). تحقیق: شمس الدین، محمد حسین. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابن منظومه، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (چاپ سوم) بیروت: دار صادر.
۶. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۷. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. (۵ جلد). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). (۵ جلد). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. ----- (۱۳۸۸). شمیم ولایت. قم: اسراء.
۱۱. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد. (بی تا). صحاح اللغة (یا) تاج اللغة و صحاح العربیة. بی تا.
۱۲. حوزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نورالثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۳. حسن بن علی. (۱۴۰۹ ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (علیه السلام). قم: مدرسة الإمام المهدي (علیه السلام).
۱۴. خویی، سید ابولقاسم. (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۵. رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المآثر. بیروت: دار المعرفة.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ ق). مفردات غریب القرآن. بی جا: دفتر نشر الكتاب.
۱۷. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۸. صدوق، علی بن بابویه قمی. (بی تا). توحید. تحقیق: سید هاشم حسین طهرانی. قم: منشورات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۹. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفة.
۲۰. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان (۲۷ جلد). تهران: فراهانی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۵). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. (ترجمه: علی عبدالحمیدی). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۳. طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.

دوفصل نامه دانشگاه قم: سال دوم شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۳

۲۴. علی بن الحسین (امام چهارم علیه السلام). (۱۳۷۶). الصحيفة السجادية. قم: دفتر نشر الهادی.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. تحقیق: سید طیب موسوی جزایری. قم: دار الکتب.
۲۶. قمی، عباس. (۱۴۱۴ ق). سفینه البحار. قم: اسوه.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع الأحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (چاپ چهارم). تحقیق: علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب اسلامی.
۲۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. تحقیق: یحیی عابدی. بیروت: دار الإحياء التراث العربیه.
۳۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: انتشارات دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامی.
۳۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۳۴. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). تفسیر کاشف. تهران: دار الکتب اسلامی.
۳۵. نمازی شاهرودی، شیخ علی. (۱۴۱۹ ق). مستدرک سفینه البحار. تحقیق: شیخ حسن بن علی نمازی. قم: موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی